

قدرت‌یابی اسلام‌گرایان در ترکیه و تأثیر آن بر روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران (۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷)

نورالدین اکبری*

تاریخ دریافت: ۸۸/۵/۲

تاریخ تأیید نهایی: ۸۸/۷/۲۶

چکیده

کشور ترکیه در یکی دو دهه اخیر دست‌خوش تحولات سیاسی چشم‌گیری شده است. قدرت‌یابی اسلام‌گرایان یکی از این تحولات است که باعث ایجاد تغییراتی در سیاست‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی این کشور شده است. با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک این کشور و پیشینه روابط آن با ایران، این مقاله درصدد است که تأثیر روی کار آمدن اسلام‌گرایان در ترکیه بر روابط خارجی آن کشور با ایران را بررسی کند. قدرت‌یابی حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه که اکنون دولت، پارلمان و ریاست جمهوری را در اختیار دارد، موجب تقویت روی‌کرد نگاه به شرق در سیاست خارجی ترکیه و بالتبع ایجاد ثبات نسبی در روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران، و نیز توسعه و تعمیق این روابط در حوزه‌های مختلف سیاسی و امنیتی، اقتصادی شده است. بر این اساس، این مقاله ابتدا ضمن توضیح مفهوم اسلام‌گرایی و انواع آن، از

* دانش‌آموخته دوره کارشناسی ارشد علوم سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس (akbari393@yahoo.com).

جمله حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه، علل پیروزی مجدد آن در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۷ را تشریح، و سپس تأثیرات روی کار آمدن این حزب بر روابط دو کشور ترکیه و جمهوری اسلامی ایران را در سه حوزه سیاسی، امنیتی و اقتصادی مورد بررسی قرار داده است.

کلیدواژگان: اسلام‌گرایی، حزب عدالت و توسعه، سیاست خارجی، روابط خارجی، ایران و ترکیه.

مقدمه

نحوه تنظیم مناسبات یک کشور با همسایگان، به لحاظ تأثیری که بر تامین یا تهدید منافع ملی می‌تواند داشته باشد، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. هر اندازه مناسبات با کشورهای همسایه مستحکم‌تر باشد و بر پایه‌های دائمی و بلندمدت و مبتنی بر منافع مشترک پی‌ریزی شود، تامین منافع ملی نیز بهتر صورت می‌گیرد. کشور ترکیه نیز به‌منزله همسایه ایران که از موقعیت ژئوپلیتیک بالایی برخوردار است، بخشی از حوزه‌های علایق سیاست خارجی و امنیت ملی ایران را تشکیل می‌دهد، و تحولات داخلی یا جهت‌گیری سیاست خارجی آن کشور بر حوزه داخلی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اثر می‌گذارد.

موقعیت ارتباطی و ترانزیتی ترکیه به‌منزله نقطه اتصال دو قاره آسیا و اروپا، تسلط بر حوزه‌های دریای مدیترانه، دریای اژه و دریای سیاه و نیز آب‌راه‌های استراتژیک بسفر و داردانل، موقعیت و نقش ترکیه در جهان اسلام و قرار گرفتن در مناطق بحرانی قفقاز و آسیای مرکزی و خاورمیانه، موقعیت هیدروپلیتیک مناسب ترکیه از حیث در اختیار داشتن منابع آب فراوان و تسلط بر رودخانه‌های پر آب منطقه و روابط شکننده با همسایگان و عضویت در ناتو، از جمله عواملی اند که باعث شده که ترکیه برای ایران و منطقه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد.

از طرفی احیای اسلام در عرصه‌های اجتماع و سیاست ترکیه پس از چند دهه سلطه لائیسیم و با وجود موانع متعدد و برخی موفقیت‌های نظام لائیک و حمایت بی‌دریغ دنیای غرب از آن و نیز در اختیار داشتن همه ابزارهای قدرت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، مسأله‌ای است که توجه عمیق بسیاری از پژوهش‌گران علوم سیاسی را به خود جلب کرده است. حزب اسلام‌گرا و میانه‌روی عدالت و توسعه با پیروزی در انتخابات پارلمانی ترکیه، و متعاقب آن کسب آرای لازم برای انتخاب عبدالله گل به‌منزله رئیس

جمهور این کشور، توانست برای اولین بار مقام‌های ریاست جمهوری، نخست‌وزیری و کنترل اکثریت پارلمان را به طور هم‌زمان در اختیار بگیرد. این پیروزی با توجه به روحیه مسامحه‌ناپذیر نظامیان در ترکیه، و هم‌چنین سرنوشت ناخوشایند دولت‌های ناهماهنگ با اصول کمالیسم در گذشته، حاکی از توان‌مندی بالای این حزب در مدیریت و کنترل شرایط جاری است.

مهم‌ترین پیام این تحول مهم سیاسی در عرصه سیاست خارجی ترکیه، از یک سو عبارت است از مردود شمردن مشی کمالیسم و انحصارطلبی نظامی‌ها، موفقیت عمل‌کرد حزب در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی، و مهم‌تر از همه پذیرش سیاست‌هایی که با باورهای فرهنگی، دینی و هویتی مردم سازگاری دارد؛ و از سوی دیگر، به قدرت رسیدن این حزب با مشی میانه و اتخاذ یک سری سیاست‌های چندجانبه‌گرایانه باعث تغییراتی در روابط و سیاست خارجی ترکیه با کشورهای مختلف از جمله ایران شده است. لذا این مقاله به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که روی کارآمدن اسلام‌گرایان (حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲) در ترکیه چه تاثیری بر روابط سیاسی، امنیتی و اقتصادی این کشور با جمهوری اسلامی ایران داشته است؟

فرضیه‌ای که در پاسخ به این سؤال مطرح شده، این است که روی کار آمدن اسلام‌گرایان (حزب عدالت و توسعه) و اتخاذ روی‌کرد نگاه به شرق در سیاست خارجی، باعث ایجاد ثبات نسبی در روابط ترکیه با جمهوری اسلامی ایران و نیز توسعه و تعمیق این روابط شده است.

مفهوم اسلام‌گرایی

اسلام‌گرایی گفتمانی است که تلاش می‌کند اسلام را در مرکز نظام سیاسی قرار دهد، و طیفی از رویدادها، از پیدایش یک ذهنیت اسلامی گرفته تا تلاشی تمام‌عیار برای بازسازی جامعه مطابق با اصول اسلامی را در برمی‌گیرد.^(۱)

برخی از دانش‌مندان اسلام‌گرایی را نوعی جنبش سیاسی می‌دانند که در عین استفاده از روش‌های فرهنگ فرامدرن غرب، به مبارزه با مصرف‌گرایی برخاسته است. ترنر چنین می‌گوید:

در اصل ترویج اصول‌گرایی اسلامی، پاسخ اسلام به مصرف‌گرایی و جهانی‌سازی فرامدرنیسم است. البته این فرایند بدون تناقض نیست. اسلام

جهانی بدون نظام ارتباطات جهانی امکان‌پذیر نیست و این همان فرایندی می‌باشد که زندگی روزمره اسلام را مواجه با دنیای پیچیده مصرف و کثرت‌گرایی کرده است.^(۲)

ژان پل شارنه، یکی از متخصصین دنیای عرب، معتقد است که «اسلام‌گرایی مبارزه افرادی است که از سستی پایه‌های اخلاقی و مصرف‌گرایی غربی به تنگ آمده‌اند.»^(۳) در جهان اسلام، از اسلام‌گرایی به حرکت، تجدید، اصلاح، اتحاد اسلام و احیاء تعبیر می‌شود، و در غرب نیز اصطلاحاتی مانند پان‌اسلامیسم به ویژه در تحقیقات جدید، اسلام مدرن، اسلام سیاسی و اندیشه اصلاح در اسلام به‌منزله معادل اسلام‌گرایی به کار می‌رود.^(۴)

اسلام‌گرایی در ترکیه

اسلام‌گرایی در ترکیه پراکنده و دارای مراکز و محورهای متعدد است، اما به طور کلی می‌توان آن‌ها را به سه دسته تقسیم کرد:^(۵)

۱. محافظه‌کاران رادیکال؛
۲. اسلام‌گرایان دموکرات؛
۳. اسلام‌گرایان رادیکال و انقلابی؛

محافظه‌کاران رادیکال پیروان نجم‌الدین اربکان‌اند که روش‌های درون نظام سیاسی را پذیرفته‌اند، از لحاظ ایدئولوژیک زمینه حرکت خود را امت می‌دانند و نسبت به تحولات جهان اسلام و رابطه مسلمانان با غرب حساس‌اند. احزاب نظام ملی، سلامت ملی، رفاه، فضیلت و سعادت در این زمره هستند. این گروه به رغم پذیرش روش‌های دموکراتیک برای دسترسی به قدرت و نیز حل مشکل جامعه ترکیه، اغلب نسخه‌های رادیکال پیچیده‌اند و در برابر تأثیرات مدرنیته در نسل‌های مختلف ترکیه به دفاع جدی از ارزش‌های بومی و دینی پرداخته‌اند، با این حال مخالف دریافت علم و تکنولوژی از غرب نیستند ولی ارزش‌های فرهنگی آن را رد می‌کنند.

اسلام‌گرایان دموکرات در برابر فشارهای رژیم لائیک علیه محافظه‌کاران رادیکال و اصول ایدئولوژیک و روش‌های مبارزه آنان شکل گرفتند. در واقع، گروه‌های اصلاح‌طلب بین محافظه‌کاران رادیکال، درباره موضع‌گیری‌های سیاسی و ایدئولوژیک، طرز مبارزه و سازمان‌دهی، به تجدیدنظر جدی پرداخته و فاصله بین خود و توده‌های مردم

را به حداقل رساندند. رژیم لائیک مدام جنگ فرسایشی خود علیه گفتمان رادیکال اسلام‌گرایان را تشدید می‌کرد. اسلام‌گرایان اصلاح‌طلب، سرانجام خط حرکت خود را در بن‌بست دیده، و اصول و شعارهای رادیکال را تلطیف کرده‌اند. دگرگونی در نگرش و روش‌های اسلام‌گرایان رادیکال، نتایجی بسیار جدی و تعیین‌کننده برای جامعه ترکیه و حتی خود اسلام‌گرایان داشت. آنان با تشکیل حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان، دولت مقتدری تشکیل داده و به موفقیت‌های بزرگی دست یافتند.

اسلام‌گرایان رادیکال و انقلابی، با دو جریان فوق تفاوت اساسی دارند. آنان مبارزه در درون رژیم لائیک را رد می‌کنند و راه‌های دموکراتیک برای دست‌رسی به قدرت سیاسی را پذیرش مقررات بازی سیاسی رژیم لائیک قلم‌داد می‌کنند. آنان روش‌های مبارزه محافظه‌کارانه را مشروع نمی‌دانند. به نظر آنان تنها راه نجات ترکیه ایجاد دولت اسلامی است، و برای راه رسیدن به این هدف، مبارزه مسلحانه با نیروهای لائیک طبیعی و حتی الزامی است.

دلیل اصلی شکل‌گیری این گروه‌ها، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و عدم موفقیت محافظه‌کاران رادیکال در پاسخ‌گویی به مطالبات توده‌های مسلمان بوده است. گروه‌های حرکت اسلامی و حزب‌الله طرفدار اتحاد و نجات اسلامی‌اند. در حال حاضر، این گروه‌ها در اقلیت‌اند و رهبران آن‌ها کشته یا محبوس شده‌اند.

همان‌طور که اشاره شد، اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه جزء گروه دوم، یعنی اسلام‌گرایان دمکرات‌اند و دارای مثنی میانه در سیاست خارجی‌اند. این گروه در واقع یک شاخه از پدیده اربکان است، ولی نگرش آن‌ها به مسائل سیاسی به کلی با برداشت اربکان متفاوت است. اگر چه اردوغان در دوران دانشجویی خود، اتحادیه‌ای تشکیل داد و تحت تاثیر انقلاب اسلامی ایران در صدد برآمد که در راستای تشکیل یک حکومت دینی در ترکیه فعالیت کند، ولی خیلی زود این نگرش را رها کرد و با پیش گرفتن سیاست‌های عمل‌گرایانه و فارغ از گرایش‌های ایدئولوژیک، به فعالیت پرداخت. اردوغان معاون اربکان بود و اربکان قصد داشت وی را جانشین خود کند، ولی وقوع شبه‌کودتایی علیه اربکان باعث شد که از آن پس اردوغان از گرایش‌های افراطی خودداری کند. اسلام‌گرایان فعلی عدالت و توسعه، این حزب را درون لایه مدرن حزب منحل‌شده رفاه تاسیس کردند.

پس از وقوع کودتای سفید علیه اربکان و انحلال حزب رفاه از سوی دادگاه قانون

اساسی، وی مجبور به استعفا شد. اتفاقات پس از آن به زندانی شدن اربکان و رجب طیب اردوغان منجر شد. اردوغان پس از مدتی از زندان آزاد شد و فعالیت سیاسی خود را از سرگرفت. پس از انحلال حزب رفاه تحت رهبری اربکان، حزب فضیلت به رهبری رجایی کوتان جانشین آن شد. ولی این حزب هم به علت عدم تحمل آن از سوی نظامیان، توسط دادگاه قانون اساسی منحل شد. فقدان استحکام لازم درونی و رهبری کاریزماتیک، باعث شد که درگیری و اختلاف درون این حزب شروع شود. درگیری بین محافظه‌کاران حزب به رهبری رجایی کوتان و اصلاح‌طلبان به رهبری عبدالله گل، بر سر فهم اسلام و برداشت و تفسیر از آن در مسائل روزمره شدت گرفت، تا این که رجایی کوتان پس از انحلال حزب فضیلت، حزب سعادت را با گرایش‌های اسلامی محافظه‌کارانه تاسیس کرد. اصلاح‌طلبان و نوگرایان آن نیز حزب عدالت و توسعه را به رهبری اردوغان و عبدالله گل تاسیس کردند.^(۶)

انتخابات زودهنگام سال ۲۰۰۲، به پیروزی نوگرایان انجامید. حزب عدالت و توسعه توانست با اتخاذ دیدگاه‌های معتدل و غیرایدئولوژیک ۳۴/۲ درصد آراء را کسب کند، و بدون نیاز به ائتلاف با سایر احزاب، موفق به تشکیل دولت شد.^(۷)

علل پیروزی حزب عدالت و توسعه در ژوئیه ۲۰۰۷

برخی تحلیل‌گران پیروزی حزب عدالت و توسعه بر اثر ضعف دولت‌های پیشین در مدیریت ترکیه را یک رخداد اتفاقی قلمداد کردند، اما پیروزی مجدد اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه در انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری را باید یک تحول سیاسی و اجتماعی عمیق قلمداد کرد. مهم‌ترین پیام این پیروزی از یک سو مردود شمردن مشی کمالیسم و انحصارطلبی نظامی‌ها، و از سوی دیگر موفقیت عمل‌کرد حزب در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی و نیز پذیرش سیاست‌هایی است که با باورهای فرهنگی، دینی، سنتی و هویتی مردم سازگاری بیشتری دارد.

حزب عدالت و توسعه دوره پارلمانی و حکومتی نسبتاً موفق را پشت سر گذاشت، و طبق معمول می‌بایست انتخابات پارلمانی ترکیه در ۴ نوامبر (۱۳ آبان) سال ۲۰۰۷ برگزار می‌شد، اما بحران پیش آمده بر سر انتخاب رئیس جمهوری، موجب برگزاری انتخابات زود هنگام در این کشور شد. نامزدی عبدالله گل برای تصدی کرسی ریاست جمهوری با مخالفت شدید احزاب و نظامیان لائیک و کارشکنی نجات سزر رئیس

جمهور ترکیه مواجه گردید. این امر باعث پدید آمدن بحرانی شد که در نهایت برای حل آن دولت به انتخابات پارلمانی زودهنگام متوسل شد.

انتخابات پارلمانی ترکیه در ۳۱ تیر ۱۳۸۶ (۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷) با شرکت بیش از ۴۲ میلیون نفر افراد واجد شرایط رأی دادن برگزار شد. مردم ترکیه در این انتخابات ۵۵۰ نماینده را از میان ۷۳۹۵ نامزد نمایندگی برگزیدند.

بر اساس اعلام «شورای عالی انتخابات ترکیه»، ۱۴ حزب سیاسی این کشور و ۷۰۰ نامزد منفرد در انتخابات شرکت کرده بودند. در این انتخابات حزب عدالت و توسعه با کسب حدود ۴۸ درصد آرای ۳۴۱ کرسی از مجموع ۵۵۰ کرسی پارلمان، توانست اکثریت کرسی‌ها را به خود اختصاص دهد. حزب جمهوری‌خواه خلق به رهبری دینیز بایکال، از سیاست‌مداران برجسته و کهنه‌کار این کشور، با کسب ۲۱ درصد آراء، ۱۱۳ کرسی پارلمان ترکیه و حزب حرکت ملی‌گرا به رهبری دولت باغچه‌لی نیز با کسب ۱۴/۵ درصد آراء، ۷۰ کرسی را به دست آوردند. نامزدهای مستقل نیز ۲۶ کرسی را تصاحب کردند. ۲۳ تن از این نمایندگان مستقل از کردها هستند.^(۸) پیروزی حزب عدالت و توسعه از این منظر حائز اهمیت است که این حزب توانست در ۷۳ استان از ۸۳ استان ترکیه بالاتر از دو رقیب خود قرار گیرد.^(۹) حزب جمهوری‌خواه خلق فقط در پنج استان غربی ترکیه و حزب حرکت ملی‌گرا نیز تنها در دو استان به پیروزی رسیدند.^(۱۰)

نکته مهم دیگر این است که آرای حزب عدالت و توسعه در ۳۹ استان بیش از ۵۰ درصد کل آرا بود و توانست بیشترین درصد آرا را در برخی استان‌های کردنشین در جنوب شرقی ترکیه به خود اختصاص دهد.^(۱۱)

حضور احزاب و ترکیب پارلمان جدید ترکیه به شرح زیر است:

نام حزب و گرایش	درصد آرا	تعداد نماینده	توضیحات
حزب عدالت و توسعه	٪ ۴۸	۳۴۱ کرسی	رهبر حزب رجب طیب اردوغان است.
حزب جمهوری‌خواه خلق	٪ ۲۱	۱۱۳ کرسی	رهبر حزب دینیز بایکال از سیاست‌مداران با سابقه ترک است.
حزب حرکت ملی‌گرا	٪ ۱۴/۵	۷۰ کرسی	رهبر حزب دولت باغچه‌لی است.
نامزدهای مستقل	٪ ۱۶/۵	۲۶ کرسی	۲۳ نماینده از کردها هستند.

انتخاب عبدالله گل به ریاست جمهوری نیز با چالش‌هایی مواجه شد، اما به هر حال پس از برگزاری دو دوره انتخابات بی‌نتیجه، بالاخره دور سوم انتخابات در روز سه‌شنبه ۶ شهریور ۱۳۸۶ با حضور ۴۴۸ نماینده از مجموع ۵۵۰ نماینده برگزار شد، و عبدالله گل با کسب ۳۳۹ رأی حائز اکثریت مطلق (نصف به‌علاوه یک) آراء گردید و به‌منزله رئیس‌جمهور برگزیده شد.

بنابر این، حزب عدالت و توسعه که در این دوره دولت، پارلمان و ریاست جمهوری را در اختیار دارد، با قدرت بیشتری می‌تواند اهداف و برنامه‌های خود را پیش ببرد. پیروزی قاطع این حزب در انتخابات را می‌توان از زوایای گوناگون بررسی کرد. در این جا به برخی از دلایل پیروزی این حزب اشاره می‌کنیم:

۱. کارنامه موفق اقتصادی

در پنج سال اول حکومت حزب عدالت و توسعه، یعنی از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷، اقتصاد ترکیه رشد پایداری را تجربه کرد. حزب عدالت و توسعه نرخ تورم سه رقمی ترکیه را تک رقمی کرد، بیکاری را تا ۱۰ درصد کاهش داد، با حذف شش صفر از جلوی ارقام اسکناس‌ها، ارزش پول ترکیه را در مقابل ارزهای خارجی افزایش داد و واحد پولی جدیدی را به نام «لیر ترک جدید» از اول سال ۲۰۰۵ در ترکیه رایج ساخت، برای جلب سرمایه‌گذاری‌های خارجی تلاش بی‌وقفه‌ای انجام داد و موفق شد سرمایه‌های زیادی را حتی از کشورهای عربی جذب کند، و درآمد سرانه ترکیه را به ۷۴۰۰ دلار افزایش داد. در سال ۲۰۰۴، حزب حاکم عدالت و توسعه موفق شد نرخ تورم را به ۹/۳ درصد کاهش دهد؛ این رقم طی ۳۰ سال گذشته در تاریخ ترکیه بی‌سابقه بوده است.^(۱۲) مجموعه اقدامات دولت ترکیه، کمیسیون اروپا در اواخر سال ۲۰۰۵ برای اولین بار اقتصاد ترکیه را اقتصاد آزاد دانست، و اعلام کرد ترکیه به معیار اقتصاد آزاد نزدیک شده است.^(۱۳)

۲. کارنامه موفق سیاست خارجی

تلاش‌های اردوغان و عبدالله گل در عرصه سیاست خارجی، به‌ویژه در خصوص تنش‌زدایی در منطقه، هم‌کاری با اروپا و فعالیت‌های بین‌المللی، دستاوردهایی داشته است که می‌توان به برخی از آن‌ها اشاره کرد:^(۱۴)

- شروع مذاکرات الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا؛
 - مخالفت با درخواست امریکا برای استفاده از پای‌گاه‌های ترکیه برای حمله به عراق؛
 - گسترش روابط با ایران و روسیه؛
 - تنش‌زدایی با سوریه و یونان که در گذشته تا مرحله رویارویی نظامی پیش رفته بود؛
 - میانجی‌گری در برخی مشکلات منطقه؛
 - حمایت از گروه‌های میانه‌رو در قبرس شمالی و حذف تحریم از سوی سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای غربی علیه قبرس شمالی؛
 - کاهش سطح روابط با اسرائیل از هم‌پیمانی به روابط عادی، و گسترش روابط با فلسطین؛
 - انتقاد از اقدامات خشن اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی؛
 - حمایت ضمنی از حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه علیه اسرائیل.
- مجموعه اقدامات خارجی دولت اردوغان موجب شد روابط این دولت با کشورهای منطقه، کشورهای غربی و جهان اسلام گسترش یابد، و شرایط جدید بین‌المللی دولت ترکیه با اقبال عمومی در داخل کشور نیز مواجه شد.

۳. افول ایدئولوژی کمالیسم و مطرح شدن بحران هویت در ترکیه

در زمان جنگ سرد، ترکیه هویت سیاسی خود را به‌منزله جزئی از بلوک غرب و در تقابل با اتحاد جماهیر شوروی تعریف می‌کرد. بعد از جنگ سرد، کمالیست‌ها تلاش کردند پان‌ترکیسم را جای‌گزین کمالیسم کنند. با گذشت سال‌های طولانی، عملاً مردم ترکیه با روش‌های مختلف از جمله انتخابات اخیر، نشان دادند که این سیاست‌ها برگرفته از فرهنگ غنی ترکیه نیست و به همین دلیل رغبتی به آن نشان ندادند و همواره به دنبال احیای فرهنگ اسلامی برای مرهم نهادن بر زخم‌های هویتی خود بودند.^(۱۵)

وقوع انقلاب اسلامی در ایران و برپایی نظامی مبتنی بر تعالیم اسلامی، شرایط گرایش به اسلام را در ترکیه بیش از پیش مهیاتر نمود. بنابر این، گرایش به اسلام به‌منزله مهم‌ترین گزینه، همواره در جامعه ترکیه مطرح بوده است. پس از سرنگونی

اربکان این گرایش بیشتر شد، تا این که در سال ۲۰۰۲ به اوج خود رسید. در انتخابات اخیر هم افول ایدئولوژی کمالیسم و بحران هویت به وجود آمده در جامعه ترکیه (که ناشی از تضادهای ارزشی و رفتاری بود) باعث شد مردم بیشتر به اسلام‌گرایان تمایل پیدا کنند.

۴. سیاست‌های اصلاحی داخلی

دولت اردوغان تلاش کرد در سیاست داخلی از یک‌سویه‌نگری پرهیز کند و مطالبات گروه‌های مختلف را نیز مدنظر داشته باشد. سیاست‌های اردوغان مبنی بر رعایت حقوق بشر و حق شهروندی، حذف اعدام از مجازات‌ها، تاکید بر رعایت حقوق اقلیت‌های قومی و دینی، رفع تبعیض‌های جنسیتی، کاهش تعداد و نقش نظامی‌ها در مناصب اجرایی، از جمله دبیر شورای امنیت ملی و دبیر شورای آموزش و پرورش، باعث شد که این برداشت در ذهن ترک‌ها شکل بگیرد که اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه افرادی دموکرات و قانون‌گرا هستند و بهتر است به این گروه رأی دهند.

سیاست‌های اصلاحی اردوغان باعث شد که اقلیت‌های قومی (خصوصاً کردها که از سوی دولت‌های قبلی ترک‌های کوهی نامیده می‌شدند) و اقلیت‌های دینی (علوی‌ها و طریقت‌های مذهبی) طرف‌دار او شده و به حامیان حزب عدالت و توسعه تبدیل شوند. نگاهی به پراکندگی قومی و مذهبی رأی‌دهندگان به خوبی نشان‌دهنده این مطلب است. در مناطق دارای اقلیت دینی و کردنشین، حزب عدالت و توسعه رأی‌های بیشتری کسب کرد.

دولت اردوغان نخستین دولتی بود که حالت فوق‌العاده را در کردستان لغو کرد، و در عین حال، در مقابل گرایش‌های جدایی‌طلبانه کردها ایستاد. سیاست‌های اصلاحی اردوغان حتی باعث شد که تا حدودی اعتماد نظامیان هم جلب شود و از شدت خصومت آن‌ها با اسلام‌گرایان کاسته شود.^(۱۶)

۵. کارشکنی نظامیان و کمالیست‌ها در انتخابات ریاست جمهوری

این نیز یکی از عواملی بود که باعث شد مردم به حزب عدالت و توسعه روی آورند. صدور بیانیه شدیدالحن ارتش و اقدام حزب جمهوری‌خواه خلق در تحریم جلسات پارلمان، هنگامی که به بررسی و رأی‌گیری در مورد نامزدی عبدالله گل کاندیدای

حزب عدالت و توسعه برای ریاست جمهوری مشغول بود، باعث بدبینی قشرهای وسیعی از مردم به آن‌ها شد. به عبارت دیگر، اقدام حزب جمهوری‌خواه خلق برای آبستراسیون، در نگرش عامه مردم این تصور را ایجاد کرد که کمالیست‌ها و لائیک‌ها به موازین دموکراسی و انتخابات آزاد پای‌بند نیستند.

در ذهن مردم ترکیه این باور هنوز وجود دارد که ارتش هر گاه بخواهد، می‌تواند دست به کودتا بزند و نظامیان و کمالیست‌ها هر گاه موقعیت خود را در ساختار سیاسی ترکیه در خطر ببینند، طرح کودتا را به اجرا می‌گذارند. نگرانی مردم از نظامیان و کمالیست‌ها و ترس از این که مبادا دوباره نظامیان یک سری از ارزش‌ها را به زور به جامعه تحمیل کنند، در پیروزی مجدد اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه نقش مؤثری داشت.

۶. دوری حزب عدالت و توسعه از فساد اداری و اقتصادی

اسلام‌گراها مدت‌های طولانی در هیچ یک از دولت‌های حاکم بر ترکیه حضور نداشتند و از مشکلاتی چون رشوه‌خواری، اختلاس، دلال‌بازی و زدوبندهای نامشروع احزاب و دولت‌های حاکم مبرا بودند. مردم به این دلیل به اسلام‌گرایان گرایش نشان دادند و آن‌ها را به‌منزله جای‌گزینی مبرا از فساد برای به دست گرفتن قدرت سیاسی در مقابل لائیک‌ها مورد توجه قرار دادند.^(۱۷)

۷. قدرت‌مندتر شدن بازی‌گران غیردولتی جدید در عرصه سیاسی ترکیه

سیاست‌های اقتصادی اوزال در دهه ۱۹۸۰، باعث پیدایش بخش خصوصی در اقتصاد ترکیه شد که از آن زمان تاکنون در حال قدرت‌مندتر شدن است. سیاست «بازسازی اقتصادی» و «توسعه صادرات» اوزال باعث شد بخش خصوصی هم در اقتصاد وارد رقابت شود. تحولات دهه ۱۹۹۰ در بالکان، آسیای مرکزی و قفقاز باعث شد که لابی‌های قومی و نژادی در عرصه سیاسی ترکیه فعال شوند. شکل‌گیری رسانه‌های جمعی خصوصی و شبکه‌های متنوع رادیویی و تلویزیونی غیردولتی در عرصه اجتماعی و سیاسی ترکیه، در پیروزی اسلام‌گرایان نقش مؤثری داشت. در حال حاضر، بخش خصوصی ترکیه حدود یک‌صد میلیارد دلار از صادرات ترکیه را به خود اختصاص داده است.^(۱۸)

این نشان می‌دهد که بخش خصوصی بازی‌گری قدرت‌مند است و حمایت آن از هر حزبی موثر واقع خواهد شد. نکته مهم این است که اکثر این بازی‌گران جدید و غیردولتی در انتخابات اخیر طرف‌دار حزب عدالت و توسعه بودند.

۸. اعتدال و میانه‌روی

دولت اردوغان در دوره اول حکومت خود، پرهیز از افراط‌گرایی را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده بود. این اقدام باعث شد بسیاری از اتهاماتی که گروه‌های مخالف به دولت اردوغان وارد می‌آوردند و امیدوار بودند بدین وسیله با کمک ارتش و نهادهای لائیک مانع از اجرای برنامه‌های آن شوند، خنثی شود. حزب عدالت و توسعه در انتخابات پارلمانی اخیر برای اثبات مشی اعتدالی خود ۱۵۶ نفر از نمایندگان حزب در پارلمان قبلی را که گرایش‌های تند داشتند، از فهرست نامزدهای حزب حذف کرد و چهره‌های شاخص سیاسی، دانشگاهی و تکنوکرات را که معروف به میانه‌روی هستند، جای‌گزین آن‌ها ساخت.^(۱۹)

۹. قرائت این حزب از اسلام

حزب عدالت و توسعه، اصولاً حزبی وابسته به جریان روشن‌فکری دینی در ترکیه است که قرائت‌های آن از مبانی اسلامی با قرائت سنت‌گرایان متفاوت است. ویژگی این جریان، معرفی اسلام «رحمان و رحیم» است که همه انسان‌ها را دارای حقوق طبیعی و برخوردار از کرامت انسانی می‌داند. در این قرائت از اسلام، خشونت، ترورهای کور، مطلق‌اندیشی و مطلق‌بینی جای‌گاهی ندارد.

روشن‌فکری دینی در ترکیه توانسته است با مهارت، هنرمندی و واقع‌بینی، میان مدرنیته و اسلام پیوند زند و مبانی و اصول مدرنیته را بومی یا ترکی کند. آرام آرام بخش‌های قابل توجهی از مردم ترکیه قانع شده‌اند که می‌توان هم مسلمان بود، هم یک ملی‌گرای واقعی ترک، و هم می‌توان به مبانی مدرنیته در قلمرو سیاست و اقتصاد و متعهد بود.^(۲۰)

۱۰. برخوردهای ناعادلانه با مسلمانان در سطح جهان

اقدامات علیه مسلمانان در مناطق مختلف و رویدادهای خونین بوسنی و هرزگوین، بحران چچن و قره‌باغ و دیگر رویدادهای محیط‌های خارجی نیز در گرایش مردم ترکیه

به اسلام‌گراها مؤثر بوده است. این وقایع و اقدامات ضمن جریحه‌دار کردن احساسات مذهبی مردم، باعث زنده شدن روحیه و ماهیت اسلامی در جامعه ترکیه شد و مردم پس از سال‌ها انحصارطلبی سیاسی سکولارها در کشورهای اسلامی که توأم با فساد، تبعیض، کشتار و نقض حقوق بشر بوده، به این نتیجه رسیدند که می‌توانند به احزاب و سیاست‌مداران اسلام‌گرا که قصد شروع فعالیت جدید را داشتند بیشتر اعتماد کنند.

تأثیر قدرت‌یابی اسلام‌گرایان بر روابط سیاسی دو کشور

روابط دو کشور ایران و ترکیه قبل از قدرت‌یابی اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه همواره نوسانات و فرازونشیب‌های بسیاری داشته است. رهبران ترکیه که عمدتاً از سکولارها و نظامیان بودند، همواره ایران را به حمایت از فعالیت‌های جدایی‌طلبان کرد (حزب پ.ک.ک) و تلاش برای صدور انقلاب به آن کشور متهم می‌کردند، و معتقد بودند ایران از این طریق در صدد تهدید امنیت ملی و تمامیت ارضی ترکیه است.

رسانه‌های وابسته به سکولارها در همان زمان مدام از دست داشتن ایران در حوادث تروریستی و کشتار نویسندگان و قتل روزنامه‌نگاران سخن می‌گفتند. این ذهنیت‌ها و بدبینی‌های رهبران ترکیه نسبت به ایران، تنش‌ها و بحران‌هایی را در روابط دو کشور ایجاد نمود؛ از جمله می‌توان به بحران سینجان اشاره کرد. به مناسبت روز جهانی قدس در سینجان مراسم یادبود بیت‌المقدس برگزار شد و در آن محمدرضا باقری، سفیر ایران در ترکیه، و محمود بن یاسین، نماینده سازمان آزادی‌بخش فلسطین، سخنرانی کردند، باقری در آن مراسم گفت: «اسرائیل فرزند نامشروع امریکا است». سکولارها، اعم از چپ و راست، و نظامیان اعلام کردند که آنچه در سینجان اتفاق افتاده حمله‌ای است به سیاست جدایی‌دین از سیاست که پایه و اساس جمهوری ترکیه است، و نهایتاً سفیر ایران از آن کشور اخراج شد.^(۲۱)

هم‌چنین، می‌توان به اظهار نظر منوچهر متکی، سفیر وقت ایران در سال ۱۹۸۹ در ترکیه در مورد نویسنده کتاب *آیات شیطانی* اشاره کرد که موجب طرح انتقادات جدی دولت ترکیه، به‌ویژه در خصوص نقش ایران در حمایت از تظاهرات گسترده مسلمانان ترکیه علیه *آیات شیطانی* گردید، و اخراج متکی از آن کشور و تیرگی روابط سیاسی دو کشور را در پی داشت.^(۲۲) هم‌چنین، زمانی که خانم مروه کاواکچی زن جوان اسلام‌گرای عضو حزب رفاه با کسب رای مردم استانبول به مجلس ملی ترکیه راه یافت و در

مراسم تحلیف مجلس با روسری شرکت کرد، خشم سردمداران لائیک ترکیه را برانگیخت. آنان خواستار اخراج وی از پارلمان به دلیل توهین به چارچوب‌های ایدئولوژیک نظام لائیک شدند. از طرفی بولنت اجویت، نخست وزیر وقت ترکیه، ایران را به ادامه کوشش‌های خود برای صدور انقلاب اسلامی و حمایت از پ.ک.ک متهم نمود.^(۲۳) در نهایت می‌توان به نقش ترکیه در حوادث کوی دانشگاه تهران در تیر ماه ۱۳۷۸ (۱۹۹۹) و اغتشاشات خیابانی پس از آن اشاره کرد مقامات ترکیه ضمن اتخاذ موضعی جانب‌دارانه، در اظهاراتی مداخله‌جویانه، انتقادهای خود از نظام حکومتی ایران را با تندترین عبارات بیان کردند، بولنت اجویت، نخست وزیر ترکیه، با اشاره به اغتشاشات تهران چنین اظهار کرده بود: «این واکنش طبیعی مردم ایران در برابر یک رژیم سرکوب‌گر است.» وی افزود: «مردم ایران مردمی هستند با پیشینه فرهنگی و تاریخی غنی، از چنین مردمی نمی‌توان انتظار داشت که رژیم منسوخ و سرکوب‌گر را به مدتی دراز تحمل کنند.» جمهوری اسلامی ایران نیز بلافاصله با واکنش تند نسبت به این اظهارات و دخالت‌آمیز خواندن آن، کاردار ترکیه را در غیاب سفیر آن به وزارت امور خارجه احضار کرد و نسبت به عواقب این گونه اظهارات به طرف ترکیه هشدار داد.^(۲۴)

بنابر این، با توجه به موارد فوق الذکر باید اذعان کرد که جابه‌جایی قدرت در داخل ترکیه بر اثر پیروزی اسلام‌گرایان در این کشور، در سال‌های گذشته نقش موثری در تقویت روابط دو کشور ایفا نموده است. بخشی از این مسأله ناشی از اتخاذ سیاست‌های چندجانبه‌گرایانه حزب عدالت و توسعه است، که رهبران حزب این سیاست را سرلوحه روابط خارجی خود قرار دادند، و بزرگ‌ترین تاثیر و کارایی را در روابط ترکیه با جهان عرب و اسلام گذاشتند. با این سیاست‌ها، ترکیه موفق به برپایی بزرگ‌ترین شبکه روابط باز با همه کشورهای اسلامی و عربی شد. در واقع، برای اولین بار بود که عامل دین، ولو به شکل محدود، در سیاست‌های خارجی ترکیه به کار گرفته می‌شد؛ مسأله‌ای که باعث برپایی روابطی مستحکم‌تر با برخی کشورهای اسلامی و جنبش حماس در فلسطین شد. سیاست‌های چندجانبه‌گرایانه، ترکیه را از پایگاه یک تماشاگر به یک پیش‌تاز در بسیاری از سیاست‌ها و طرح‌ها تبدیل کرد. در این زمینه می‌توان از مواردی هم‌چون ابتکار نشست کشورهای همسایه عراق، میانجی‌گری در بحران لبنان و مشارکت در نیروهای یونینفل و وساطت میان حماس و فتح را نام برد. هم‌چنین ترکیه بر مبنای سیاست خارجی جدید خود، با سوریه و ایران روابط نزدیکی برقرار کرده است.

سیاست ترکیه بر اساس الگوی هم‌کاری پایدار بین کشورها شکل گرفته است که بین منافع مشترک طرفین و برداشت از جامعه بین‌الملل، به ویژه بالاترین رده سلسله‌مراتب قدرت در روابط بین‌الملل، موازنه ایجاد کرده است. به‌منزله نمونه‌ای از این خط‌مشی جدید ترکیه، که به شدت با روابط قبلی ترکیه و ایران در تضاد است، می‌توان به نقش ترکیه به‌منزله تسهیل‌کننده امور مربوط به مسئله هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱، یعنی اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل و آلمان، اشاره کرد. سیاست‌گذاران ترک این ایده را اشاعه داده‌اند که آنکارا بستر مناسبی برای گروه ۵+۱ است که ایران را به اتخاذ خط‌مشی سیاسی پاسخ‌گوتری در قبال تولید و تکثیر سلاح‌های هسته‌ای متقاعد کند. دیپلمات‌های ترک در گفت‌گو با کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه ایالات متحده، علی لاریجانی، عضو گروه ارشد مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران، محمد البرادعی، رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و خاویر سولانا، رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا، سیاست ویژه‌ای را در قبال موضوع هسته‌ای ایران دنبال می‌کنند. در ژوئن سال ۲۰۰۶، تلاش‌های ترکیه در این راستا موفقیت‌آمیز ارزیابی شده؛ با این فرض که عبدالله گل، وزیر امور خارجه وقت ترکیه، سولانا را متقاعد کرد به ایران سفر کند و ضمن تسلیم گزارش خود به مقامات ایرانی، آن‌ها را برای اتخاذ یک موضع متعادل در قبال گزارش گروه ۵+۱ در خصوص موضوع هسته‌ای کشور خود آماده کند. لازم به ذکر است که علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، در مه ۲۰۰۶، با مقامات ترکیه دیدار و در خصوص نقش این کشور در خصوص پاره‌ای از مسائل، از جمله بحران عراق و روابط ایران و ایالات متحده مذاکره نمود. لاریجانی طی اقامت خود در ترکیه در خصوص نقش میانجی ترکیه به‌منزله یک موضوع قابل بررسی در مسائل هسته‌ای نیز مذاکره نمود. زمانی که عبدالله گل در ژوئیه ۲۰۰۶، در واشنگتن به سر می‌برد، کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه این کشور میانجی‌گری ترکیه در مسائل هسته‌ای ایران را تحسین نمود. این دیدار که طی آن عبدالله گل، دیدگاه‌هایش را با همتای امریکایی خود در میان گذاشت، پس از دیدار وی با مقامات ایرانی در ماه ژوئن صورت گرفت.^(۲۵)

۱. البته نباید از این نکته غافل بود که ترکیه در این میانجی‌گری منافع ملی و رقابت خود با جمهوری اسلامی ایران را نیز در نظر دارد.

جای‌گاه ترکیه در این رابطه تقویت دیپلماسی و از میان برداشتن فشار وارد شده بر ایران به منظور کمک به این کشور برای ارایه پاسخی راه‌گشا به تقاضای جامعه بین‌الملل از یک طرف، و نگه داشتن ایران در مرزهای تولید صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای و ممانعت از به وجود آمدن عراق دیگری به مثابه یک باتلاق در همسایگی خود از طرف دیگر است.

ترکیه که خود در تلاش برای دسترسی به انرژی هسته‌ای و ایجاد نیروگاه‌های اتمی است، استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را حق مسلم ایران دانسته و همواره بر حل مسالمت‌آمیز مسأله هسته‌ای ایران تأکید کرده است. علی‌باباجان وزیر امور خارجه ترکیه در چندین مورد سخن‌رانی و مصاحبه مطبوعاتی به خبرنگاران گفته بود که ترکیه استفاده از انرژی هسته‌ای را حق مسلم ایران می‌داند، و خود نیز قصد استفاده از این انرژی را دارد. تحلیل‌گران ترکیه بر این عقیده هستند که این مواضع مشخص می‌سازد که آنکارا برای حمایت از تهران در این زمینه با آمادگی کامل وارد بازی شده و غرب و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز به خوبی این موضوع را دریافته‌اند. ترکیه ضمن حمایت از حق مسلم جمهوری اسلامی ایران در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، خواستار خلع سلاح هسته‌ای در منطقه و پایبندی به پیمان «ان.پی.تی.» و هم‌کاری ایران با سازمان‌های بین‌المللی است. رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه، در یک همایش بین‌المللی در مصر گفت: «کشورها را نمی‌توان با ادعای این که می‌توانند به تولید سلاح هسته‌ای روی آورند، از حق خود برای استفاده صلح‌آمیز محروم کرد.» او پرسید آیا اگر فردا ترکیه هم بخواهد در این زمینه فعالیت کند، با چنین اتهامی روبرو خواهد شد؟^(۲۶)

نمونه دیگری از تغییر در سیاست‌های خارجی حزب عدالت و توسعه که در راستای سیاست‌های ایران قرار دارد، اتخاذ برخی سیاست‌ها در مسائل خاورمیانه و کاهش سطح روابط با اسرائیل از هم‌پیمانی به روابط عادی و در مقابل گسترش روابط با فلسطین است. در حالی که روابط ترکیه و اسرائیل در دهه ۱۹۹۰ به سطح بی‌سابقه‌ای افزایش یافته بود، پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، روابط دو کشور تا حدودی دچار افت شد، و در مقابل روابط ترکیه با فلسطین (حتی دولت حماس که مورد تحریم دولت‌های غربی واقع شده بود) گسترش یافت. ترکیه به دولت حماس کمک کرد و علی‌رغم مخالفت شدید اسرائیل، وزیر خارجه ترکیه با هیأتی از اعضای

حماس در ترکیه به مذاکره پرداخت. مقامات ترک اقدامات خشن اسرائیل را تقبیح کردند و از تشکیل دولت مستقل فلسطین حمایت کردند. اردوغان به طور آشکار اقدامات اسرائیل در کرانه غربی غزه را «تروریسم دولتی» نامید و هم‌زمان در صدد برقراری روابط نزدیک‌تری با رهبر فلسطینیان برآمد.^(۲۷)

ترکیه به حمایت ضمنی از حزب‌الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه علیه اسرائیل پرداخت. اردوغان، نخست وزیر ترکیه در اظهارات صریحی بعد از شروع بحران لبنان اعلام کرد: «تحولات اخیر در لبنان و فلسطین کشورش را به تجدیدنظر در مشارکت در طرح صلح خاورمیانه بزرگ وادار خواهد کرد. اقدامات اسرائیل غیرمنصفانه و دور از وجدان است؛ تعدادی از قدرت‌های بزرگ از این اقدامات حمایت می‌کنند و تعدادی دیگر به تماشای رویدادها نشست‌اند.» افزون بر این، رهبران حزب عدالت و توسعه با توجه به روی‌کرد خاورمیانه‌ای خود، روابطه با سوریه را بهبود بخشیدند. ترکیه بدون توجه به نطق سالانه بوش در سال ۲۰۰۲ و قرار دادن سوریه در «محور شرارت» و بدون توجه به فشار غرب پس از ترور رفیق حریری مبنی بر قطع رابطه با سوریه، روابط با سوریه را حفظ کرد، و حتی اردوغان به دمشق سفر کرد. پس از سفر بشار اسد در ژانویه ۲۰۰۵، به ترکیه (که نخستین سفر یک رئیس‌جمهور سوریه به ترکیه از سال ۱۹۴۶ به حساب می‌آمد)، تعامل ترکیه با سوریه استحکام بیشتری به خود گرفت.^(۲۸)

بنابر این، روابط ترکیه با همسایگان و کشورهای منطقه موازنه قوا را به نفع آنها به هم زده و موجب پیوستگی منافع و امنیت ملی آنها شده است؛ زیرا نیاز سوریه و ایران به متحدان منطقه‌ای به منظور مقابله با فشار ایالات متحده و تمایل ترکیه به از بین بردن وابستگی امنیتی خود به ایالات متحده، در توسعه روابط منطقه‌ای تاثیر داشته است؛ هر چند آنچه اتفاق افتاده فراتر از تنش‌زدایی صرف بوده و بیشتر حاکی از عزم قاطع و دورنمای درازمدت برقراری روابط سودمند دوجانبه با سوریه و ایران در سیاست خارجی ترکیه است.

تاثیر قدرت‌یابی اسلام‌گرایان بر روابط امنیتی دو کشور

دو کشور ایران و ترکیه در گذشته به‌خصوص در مورد مسأله کردها و حفاظت از مرزهایشان، هم‌کاری‌های امنیتی داشته‌اند. به طوری که سابقه این هم‌کاری‌ها به دوران رضا شاه و آتاتورک برمی‌گردد. با وجود این، افزایش تحرکات گروه‌های جدایی‌طلب از

زمان انقلاب اسلامی به این سو و ذهنیت رهبران ترکیه مبنی بر حمایت ایران از این گروه‌ها و نیز بنیادگرایی اسلامی، باعث شد که این گونه هم‌کاری‌ها به صورت اجرایی پی‌گیری نشود و حتی در برخی موارد ترک‌ها به بهانه سرکوب این گروه‌ها، بارها نقاط مرزی ایران را بمباران کردند. اما پس از روی کار آمدن اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه هم‌کاری‌های امنیتی دو کشور تقویت شده است. بخشی از این هم‌کاری‌ها ناشی از تغییرات ایجاد شده در صحنه جهانی از جمله حادثه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، و اشغال عراق در سال ۲۰۰۳، است که باعث تغییر در استراتژی‌ها و سیاست‌های ترکیه در چرخش به شرق و همسایگان از جمله ایران شده است.

قبل از یازدهم سپتامبر و طی دهه ۱۹۹۰، ترکیه همواره از گسترش اسلام از سوی جمهوری اسلامی ایران واهمه داشت و نمی‌توانست یک همت بین‌المللی را برای جلوگیری از رفتارهای ایران فراهم کند.^(۲۹) اما بعد از حادثه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، اسلام‌گرایی رادیکال در شکل سلفی‌گری خود را نشان داد، و در واقع از این دوران به بعد بنیادگرایی سلفی تهدید امنیتی تلقی شد نه بنیادگرایی شیعی. یعنی وقتی ترک‌ها دریافتند القاعده همان اندازه با ایران شیعه مخالف است که با ترکیه سنی، روی‌کرد خود نسبت به اسلام‌گرایی ایرانی را تغییر دادند.^(۳۰) (البته قدرت گرفتن حزب عدالت و توسعه و اتخاذ مواضع پراگماتیک از سوی این حزب نیز در این تغییر روی‌کرد بی‌تأثیر نبود.)

با وقوع حادثه یازدهم سپتامبر و با مطرح شدن طرح خاورمیانه بزرگ از سوی امریکا و الگوشدن ترکیه در این طرح، کمالیست‌ها و سکولارها پی بردند که این بار خود امریکا درصدد ترویج نوعی اسلام‌گرایی میان‌رو در داخل ترکیه است. در چنین شرایطی طبعاً متهم کردن ایران به صدور اسلام‌گرایی به ترکیه محلی از اعراب نداشت، لذا این عامل تأثیر مثبتی بر بهبود روابط دو کشور بر جای گذاشت.

حادثه بعدی اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ بود که باعث شد ترک‌ها به این نتیجه برسند که امریکا به منزله قدیمی‌ترین متحد ترکیه در پیمان ناتو، نه تنها با آغاز جنگی بی‌پایان منجر به بی‌ثباتی در یکی از مهم‌ترین همسایگان این کشور شده، بلکه در عین حال با سرباز زدن از برخورد با چریک‌های جدایی‌طلب حزب کارگران کردستان ترکیه (پ. ک. ک.) دست یاری ترکیه برای پاک‌سازی در دسر بزرگی را که خود مسبب آن بوده است پس می‌زند. این عامل نیز باعث توجه ترکیه به ایران و افزایش هم‌کاری‌های امنیتی دو کشور برای مقابله با گروه پ. ک. ک. شد.

اما بخش عمده‌ای از عوامل تقویت همکاری‌های امنیتی دو کشور ایران و ترکیه را باید ناشی از به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه دانست؛ زیرا با پیروزی این حزب در ترکیه ما شاهد افت نسبی موقعیت نظامیان در عرصه سیاست داخلی و خارجی این کشور هستیم. (البته این به معنای عقب‌نشینی کامل آن‌ها از عرصه سیاست نیست، زیرا نظامیان هنوز در وزارت دفاع و سازمان امنیت ترکیه (MIT) نفوذ قابل توجهی دارند.) با توجه به این که نظامیان به‌منزله قوی‌ترین و آخرین حامیان ایدئولوژی کمالیسم، اصلی‌ترین مخالفان ایدئولوژیک نظام جمهوری اسلامی ایران نیز هستند، تضعیف موقعیت نظامیان ترک با توجه به تحولات جدید و قدرت‌گرفتن اسلام‌گرایان، به معنی کاهش تهدیدات ترکیه علیه موجودیت نظام سیاسی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از یک طرف و کاهش تضادهای ایدئولوژیک دو کشور از سوی دیگر محسوب می‌شود. این چیزی است که می‌توان از آن به «غیر امنیتی کردن روابط دو کشور» تعبیر کرد. زیرا امنیت‌محور بودن نظام سیاسی ترکیه و اختلافات این کشور با ایران بر سر مسأله اسلام‌گرایی و ناسیونالیسم کردی تا اندازه زیادی معلول ایدئولوژی کمالیسم و تعبیر نظامیان از این ایدئولوژی است.^(۳۱)

علاوه بر این، رهبران اسلام‌گرای حزب عدالت و توسعه هیچ‌گاه ایران را متهم به حمایت از کردها و تهدید امنیت و تمامیت ارضی ترکیه نکرده‌اند، و این تغییر ذهنیت در نتیجه نگاه مثبت رهبران ترک به ایران، عامل مهمی در بهبود روابط دو کشور و نیز افزایش توافقات آن‌ها برای مقابله با تهدیدات مشترک شده است؛ به طوری که دو کشور طی دیدار اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه، از ایران در جولای ۲۰۰۴ با امضای یک موافقت‌نامه همکاری امنیتی «سازمان پ. ک. ک.» را به‌منزله یک سازمان تروریستی معرفی کردند، و از آن پس همکاری‌های دو کشور برای حفاظت از مرزها افزایش یافت.^(۳۲)

در سال ۲۰۰۵ نیز در پایان یازدهمین نشست کمیته عالی امنیتی ایران در ترکیه هشت توافق مهم امنیتی و مرزی میان مقامات دو کشور به امضا رسید. در این توافق‌نامه‌ها دو کشور در راستای توسعه همکاری‌های امنیتی متعهد شدند تا یک‌دیگر را در حفظ و کنترل مرزها، مقابله با قاچاق مواد مخدر، انسان و به ویژه قاچاق قرص‌های روان‌گردان و برخورد و استرداد مجرمین و گروه‌های تروریستی، به ویژه گروهک پ. ک. ک. و منافقین یاری دهند. محمدباقر ذوالقدر، قائم مقام و معاون امنیتی وزیر کشور، پس از

امضای این توافق‌نامه‌ها با تاکید بر این که یازدهمین نشست کمیته عالی امنیتی ایران و ترکیه موفقیت‌آمیز بوده است، چنین تصریح کرد:

پیش از این مرزهای مشترک دو کشور دارای خلاءهایی بود که امکان تردهای غیرمجاز را برای قاچاق‌چیان و گروه‌های تروریستی فراهم می‌کرد که برای رفع این خلاءها و جلوگیری از تردهای غیرمجاز دو کشور توافق کردند تا صیانت از نوار مرزی را تشدید کرده و امنیت این منطقه را گسترش دهند.

ذوالقدر با اشاره به این که ایران و ترکیه مصمم به برخورد با گروهک‌های تروریستی و اقدامات ضدامنیتی علیه دو کشور هستند، افزود:

این نشست عالی، ایران و ترکیه متعهد شدند تا در خصوص برخورد با تروریست‌ها هم‌دیگر را یاری دهند و چون طرف ترک از حضور عناصر تروریستی ترکیه در بخش‌هایی از نوار مرزی ایران رنج می‌برد، ایران متعهد شد تا ضمن فراهم کردن شرایط مناسب، اعضای این گروهک را تعقیب و برای جلوگیری از نفوذ به خاک ترکیه با آنان برخورد کرده و دستگیرشدگان را به کشور ترکیه مسترد نماید.

این توافق‌نامه به امضای شهاب‌الدین هارپوت، قائم مقام وزیر کشور ترکیه، نیز رسید.^(۳۳) هم‌چنین، دوازدهمین نشست کمیسیون مشترک امنیتی دو کشور با محوریت مبارزه با گروهک‌های تروریستی پژاک (حزب حیات آزاد کردستان ایران) و پ. ک. ک. (حزب کارگران کردستان ترکیه) در آنکارا در سال ۲۰۰۷ برگزار و اتخاذ تدابیری جدید برای مبارزه با گروه‌های مذکور بررسی شد.^(۳۴)

تأثیر قدرت گرفتن اسلام‌گرایان بر روابط اقتصادی دو کشور

روابط اقتصادی دو کشور نیز بعد از قدرت‌یابی اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه، بیش از پیش گسترش یافته است. در واقع، اراده سیاسی رهبران دو کشور در جهت توسعه و تحکیم مناسبات اقتصادی و تجاری و تشویق بخش‌های خصوصی برای ارتباط و هم‌کاری بیشتر، انجام سفرهای متقابل مقامات عالی‌رتبه ایران و ترکیه، و سفرهای هیأت‌های بزرگ اقتصادی-تجاری، موجب آشنایی بیشتر دست‌اندرکاران دو طرف با توانایی‌ها، امکانات و امتیازات دو کشور شد.

سفر غلامعلی حداد عادل رئیس وقت مجلس شورای اسلامی به ترکیه، سفرهای متعدد منوچهر متکی وزیر امور خارجه، سید پرویز فتح وزیر نیرو محمد رضا اسکندری و مسعود میرکاظمی، وزرای جهاد کشاورزی و بازرگانی و نیز وزیر وقت نفت دولت نهم به ترکیه و سفرهای علی باباجان وزیر امور خارجه و رئیس هیأت مذاکره‌کننده ترکیه با اتحادیه اروپا، حلمی گولر، مهدی اکر و بینالی ییلدروم، وزرای انرژی، کشاورزی و ارتباطات، و در نهایت سفر گرشاد توزمن، وزیر مشاور در اقتصاد خارجی ترکیه به ایران و سفرهای متقابل هیأت‌های سیاسی، اقتصادی و فنی در سطوح کارشناسان ارشد و معاونین و قائم مقام‌های وزارت‌خانه‌های دو کشور، فشرده‌گی و رفت و آمد سنگین در روابط دو کشور ایران و ترکیه در سال‌های اخیر را به اثبات می‌رساند.

علاوه بر این، توافقات دو کشور در زمینه‌های انرژی، ترانزیت گاز ایران به اروپا، سرمایه‌گذاری در استحصال گاز پارس جنوبی، احداث نیروگاه‌های گازی و آبی، تقویت خطوط انتقال برق و توسعه بازرگانی برق بین دو کشور افزایش یافته است، به طوری که در سال ۲۰۰۷ اولین قرارداد فروش برق ایران به یک شرکت خصوصی ترکیه به میزان سالانه ۵/۱ میلیارد کیلووات ساعت در آنکارا امضاء شد. این اولین قرارداد فروش برق ایران به یک شرکت خارجی از همسایگان ایران نیز محسوب می‌شود.^(۳۵)

در سال‌های گذشته نیز دو کشور تفاهم‌نامه‌هایی در زمینه صدور گاز ایران به اروپا از طریق خاک ترکیه و گاز ترکمنستان به اروپا از طریق خاک ایران و ترکیه به اروپا و همچنین همکاری در توسعه مناطق استخراج گاز عسلویه، و ادامه روند بازرگانی نفت امضا کردند. در پرتو تحولات جدید، حجم مبادلات بازرگانی دو کشور نیز افزایش چشم‌گیری یافته است.

بر اساس آمار گمرک جمهوری اسلامی ایران، حجم مبادلات تجاری دو کشور در سال ۱۳۷۷، ۷۱۱ میلیون دلار بوده که نسبت به سال قبل (۸۳۶ میلیون دلار) ۱۴/۹- درصد رشد داشته است. بر همین اساس، صادرات ترکیه به ایران نیز در سال ۱۳۷۷، ۲۷۲ میلیون دلار بوده که نسبت به رقم صادرات ۲۸۹ میلیون دلار در سال ۱۳۷۶، ۵/۸- درصد رشد داشته و واردات این کشور از ایران ۴۳۹ میلیون دلار بوده که نسبت به رقم واردات ۵۴۷ میلیون دلار سال قبل رشد ۱۹/۷- درصدی را نشان می‌دهد. به همین

ترتیب حجم تجارت خارجی دو کشور در سال ۱۳۷۸ به ۸۵۸ میلیون دلار رسید، که گویای افزایش ۲۰/۶ درصدی است. ترکیه در سال ۱۳۷۸، ۲۲۸ میلیون دلار کالا به ایران صادر کرده که ۱۶/۱- درصد رشد یافته و واردات این کشور از ایران ۶۳۰ میلیون دلار بوده که نسبت به رقم ۴۳۹ میلیون دلاری سال ۱۳۷۷ از افزایش ۴۳/۵ درصدی حکایت می‌کند. در سال ۱۳۷۹ نیز حجم تجارت خارجی دو کشور به یک میلیارد و ۱۷۲ میلیون دلار رسیده که گویای افزایش ۳۶/۵ درصدی نسبت به سال قبل است. صادرات ترکیه به ایران با ۲/۱ درصد افزایش به ۲۳۳ میلیون دلار و واردات این کشور از ایران با ۴۹ درصد افزایش به ۹۳۹ میلیون دلار رسیده است.

هم‌چنین، حجم تجارت خارجی دو کشور در سال ۱۳۸۰ به ۹۸۵ میلیون دلار رسیده که نسبت به سال قبل ۱۵/۹- درصد رشد یافته است. صادرات ترکیه به ایران ۲۹۱ میلیون دلار و واردات این کشور از ایران ۶۹۴ میلیون دلار بوده است بنابر این، صادرات ترکیه به ایران ۲۴/۸ درصد و واردات این کشور از ایران ۲۶- درصد رشد یافته است.^(۳۶)

بر اساس آمار گمرک جمهوری اسلامی ایران، حجم مبادلات تجاری دو کشور در سال ۱۳۸۱ (یعنی هم‌زمان با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه) به یک میلیارد و ۲۸۶ میلیون دلار رسیده که این امر گویای افزایش ۳۰/۵ درصدی نسبت به رقم ۹۸۵ میلیون دلاری سال قبل از حاکمیت اسلام‌گرایان یعنی ۱۳۸۰ است.

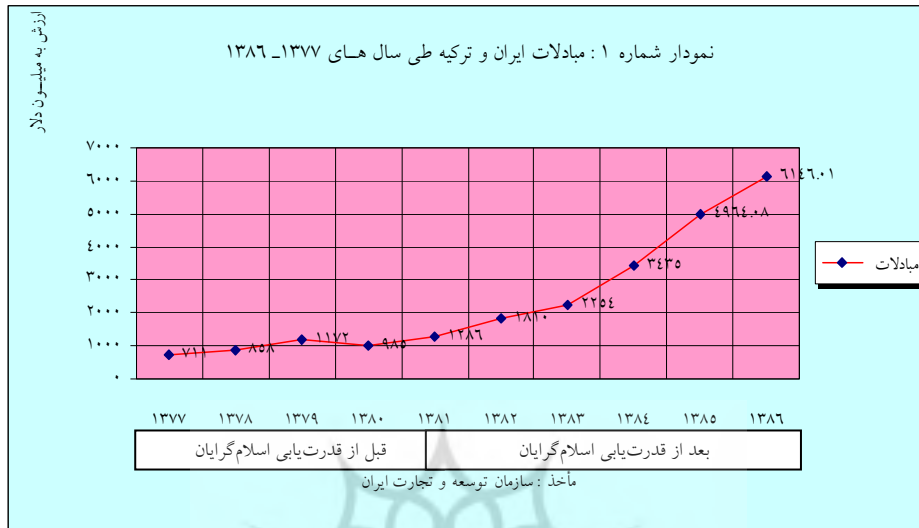
ترکیه در سال ۱۳۸۱ به میزان ۳۲۴ میلیون دلار کالا به ایران صادر کرده است، و این نشان دهنده افزایش ۱۱/۳ درصدی است؛ در حالی که واردات ترکیه از ایران ۹۶۲ میلیون دلار بوده و ۳۸/۶ درصد افزایش داشته است.^(۳۷)

بر اساس آمار سازمان توسعه و تجارت ایران، حجم تجارت خارجی دو کشور در سال ۱۳۸۲ یک میلیارد و ۸۱۰ میلیون دلار بوده که نسبت به سال قبل ۴۰/۷ درصد افزایش یافته است. بر همین اساس، صادرات ترکیه به ایران در سال ۱۳۸۲، ۵۱۷ میلیون دلار و در مقابل واردات ترکیه از ایران به یک میلیارد و ۲۹۳ میلیون دلار رسید. بنابر این، صادرات ترکیه به ایران در سال ۱۳۸۲، ۵۹/۵ درصد نسبت به سال ۱۳۸۱ و واردات این کشور از ایران نیز نسبت به مدت مشابه سال قبل ۳۴/۴ درصد افزایش یافته است.

بر همین اساس، در سال ۱۳۸۳ حجم تجارت خارجی دو کشور به ۲ میلیارد و ۲۵۴ میلیون دلار رسید که نشان دهند، افزایش ۲۴/۵ درصدی نسبت به سال ۱۳۸۲ است. ترکیه به ایران در سال ۱۳۸۳، ۷۲۸ میلیون دلار و در سال ۱۳۸۲، ۵۱۷ میلیون دلار کالا صادر کرده است. واردات ترکیه از ایران در سال ۱۳۸۳، یک میلیارد و ۵۲۶ میلیون دلار و در سال ۱۳۸۲ یک میلیارد و ۲۹۳ میلیون دلار بوده است. بنابر این، صادرات ترکیه به ایران در سال ۱۳۸۳، ۴۰/۸ درصد نسبت به سال ۱۳۸۲ و واردات این کشور از ایران نیز ۱۸ درصد رشد داشته است. هم‌چنین، حجم تجارت خارجی دو کشور در سال ۱۳۸۴ به سه میلیارد و ۴۳۵ میلیون دلار رسید که گویای افزایش ۵۲/۳ درصدی است. ترکیه در سال ۱۳۸۴، ۸۴۲ میلیون دلار کالا به ایران صادر کرده که نسبت به سال ۱۳۸۳ افزایش ۱۵/۶ درصدی را نشان می‌دهد. صادرات ترکیه به ایران در سال ۱۳۸۳، ۷۲۸ میلیون دلار گزارش شده بود. همین‌طور واردات ترکیه از ایران دو میلیارد و ۵۹۳ میلیون دلار بوده که نسبت به سال ۱۳۸۳، ۶۹/۹ درصد افزایش یافته است. بر همین اساس، حجم تجارت خارجی دو کشور در سال ۱۳۸۵ با ۴۴/۵ درصد افزایش به ۴ میلیارد و ۹۶۴/۸ میلیون دلار رسید. صادرات ترکیه به ایران در سال ۱۳۸۵، ۸۵۷/۲ میلیون دلار بوده است که نسبت به رقم ۸۴۲ میلیون دلار در سال ۱۳۸۴ افزایش ۱۸ درصدی را نشان می‌دهد. بر همین اساس، واردات ترکیه از ایران در سال ۱۳۸۵، ۴ میلیارد و ۱۰۷/۶ میلیون دلار بوده که نسبت به سال ۱۳۸۴، ۵۸/۴ درصد افزایش یافته است. واردات ترکیه از ایران در سال ۱۳۸۴، ۲ میلیارد و ۵۹۳ میلیون دلار بوده است. هم‌چنین، حجم تجارت خارجی دو کشور در سال ۱۳۸۶، ۶ میلیارد و ۱۴۶/۱ میلیون دلار بوده که نسبت به سال قبل ۲۳/۸ درصد افزایش داشته است. صادرات ترکیه به ایران در سال ۱۳۸۶ با ۴۵/۴ درصد افزایش نسبت به سال قبل به یک میلیارد و ۲۴۶/۴ میلیون دلار و واردات این کشور از جمهوری اسلامی ایران با ۱۹/۲ درصد افزایش به ۴ میلیارد و ۸۹۹/۷ میلیون دلار رسید.^(۳۸)

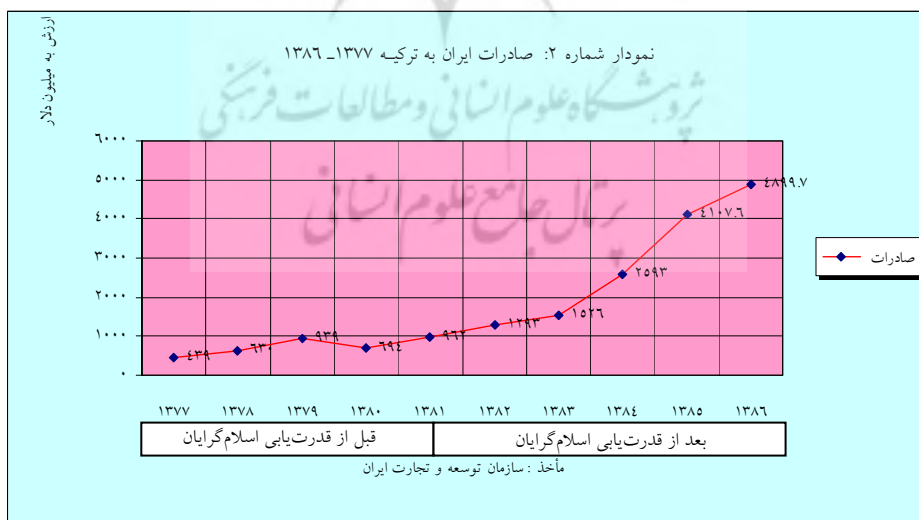
جدول شماره ۱: مبادلات ایران و ترکیه طی سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۶

سال	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶
حجم مبادلات	۷۱۱	۸۵۸	۱۱۷۲	۹۸۵	۱۲۸۶	۱۸۱۰	۲۲۵۴	۳۴۳۵	۴۹۶۴/۸	۶۱۴۶/۱
درصد	۱۴/۹	۲۰/۶	۳۶/۵	-۱۵/۹	۳۰/۵	۴۰/۷	۲۴/۵	۵۲/۳	۴۴/۵	۲۳/۸
	قبل از قدرت‌یابی اسلام‌گرایان					بعد از قدرت‌یابی اسلام‌گرایان				



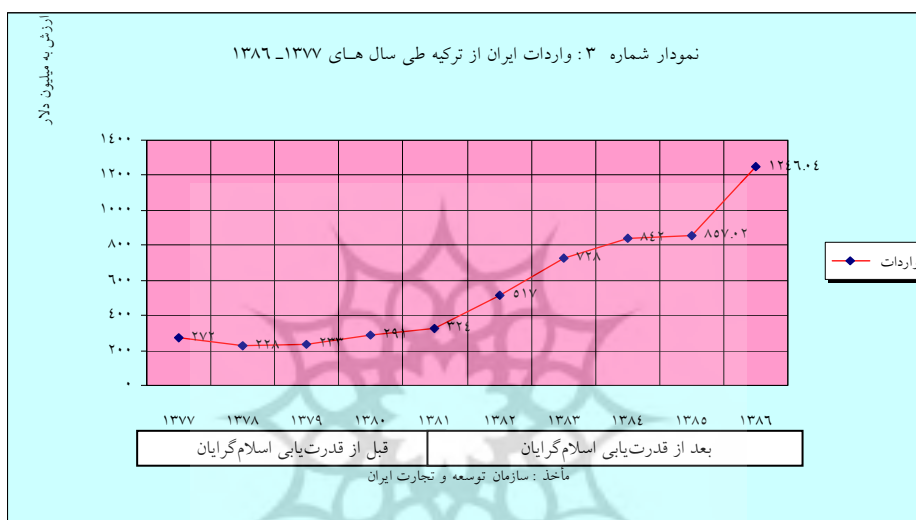
جدول شماره ۲: صادرات ایران به ترکیه طی سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۶

سال	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶
صادرات	۴۳۹	۶۳۰	۹۳۹	۶۹۴	۹۶۲	۱۲۹۳	۱۵۲۶	۲۵۹۳	۴۱۰۷/۶	۴۸۹۹/۷
درصد	-۱۹/۷	۴۳/۵	۴۹	-۲۶	۳۸/۶	۳۴/۴	۱۸	۶۹/۹	۵۸/۴	۱۹/۲



جدول شماره ۳: واردات ایران از ترکیه طی سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۶

سال	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶
واردات	۲۷۲	۲۲۸	۲۳۳	۲۹۱	۳۲۴	۵۱۷	۷۲۸	۸۴۲	۸۵۷/۲	۱۲۴۶/۴
درصد	-۵/۸	-۱۶/۱	۲/۱	۲۴/۸	۱۱/۳	۵۹/۵	۴۰/۸	۱۵/۶	۱۸	۴۵/۴



بنابر این، براساس آمارها و جداول و نمودارهای فوق، می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

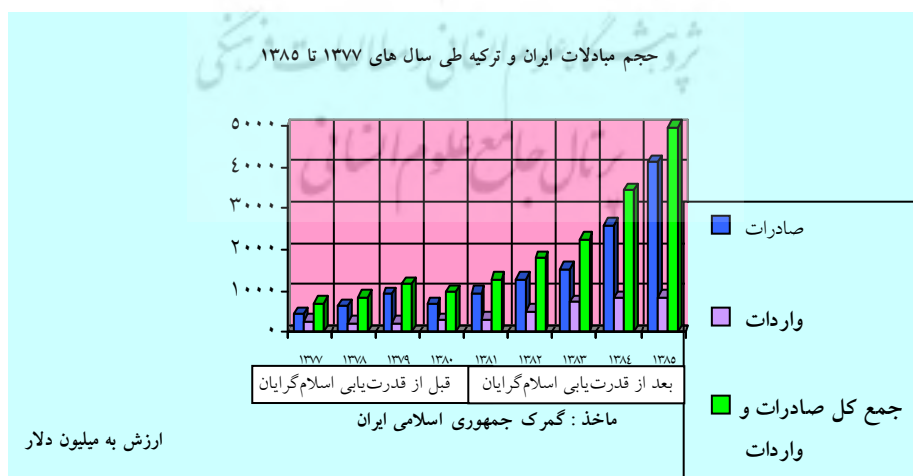
۱. نرخ رشد مبادلات تجاری دو کشور در سال‌های قبل از قدرت‌یابی اسلام‌گرایان (عمدتاً از سال ۱۳۷۷) نوسان رو به کاهش داشته، در حالی که در سال‌های بعد از قدرت‌یابی اسلام‌گرایان، نوسان رو به افزایش را شاهدیم.
۲. اگر حجم تجارت خارجی دو کشور را در دو مقطع چهار ساله قبل از قدرت‌یابی اسلام‌گرایان (یعنی از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۱) را با مقطع چهار ساله بعد از قدرت‌یابی اسلام‌گرایان (یعنی از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵) با هم مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم که: الف) حجم تجارت خارجی دو کشور در مقطع چهار ساله اول ۳ میلیارد و ۷۲۶ میلیون دلار بوده، در حالی که در مقطع چهار ساله دوم به ۸ میلیارد و ۷۸۵ میلیون دلار افزایش یافته است. بنابر این، حجم تجارت خارجی دو کشور بعد از قدرت‌یابی اسلام‌گرایان ۱۳۵/۷ درصد افزایش یافته است.

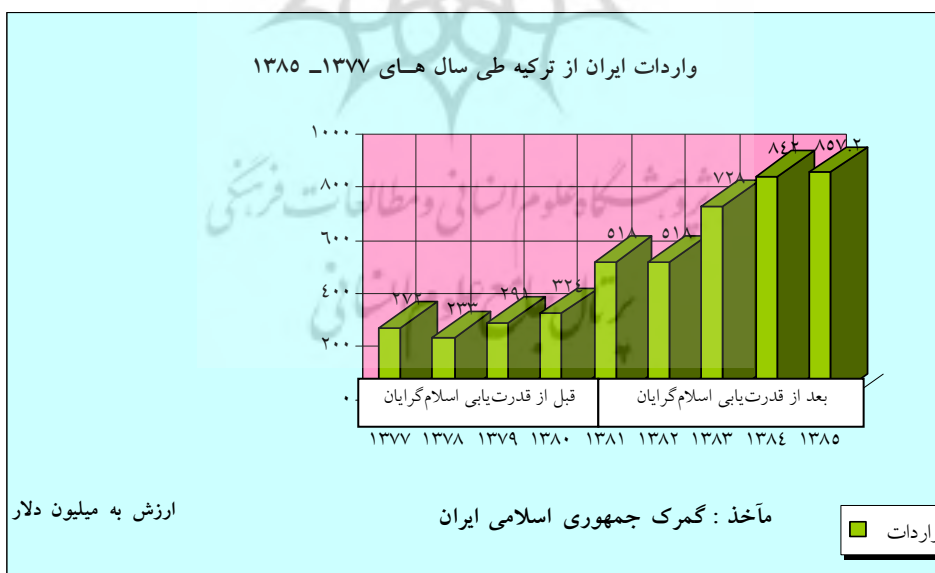
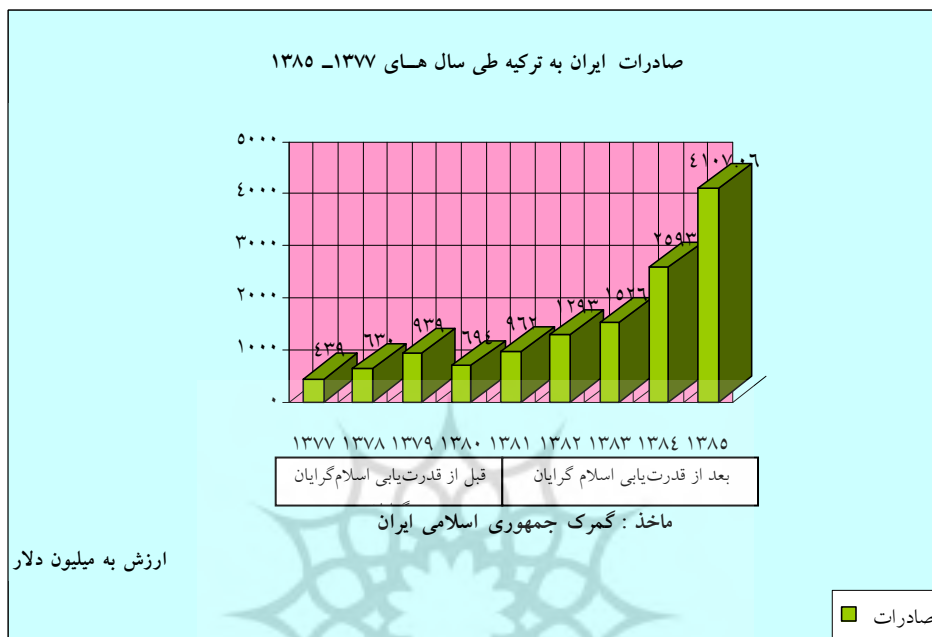
ب) حجم صادرات ایران به ترکیه در مقطع اول ۲ میلیارد و ۷۰۲ میلیون دلار بوده در حالی که در مقطع دوم به ۶ میلیارد و ۳۷۴ میلیون دلار رسیده است. بنابراین، صادرات ایران به ترکیه ۱۳۵/۸ درصد افزایش یافته است.

ج) حجم واردات ایران از ترکیه در مقطع اول یک میلیارد و ۲۴ میلیون دلار بوده که به ۲ میلیارد و ۴۱۱ میلیون دلار در مقطع دوم افزایش یافته است. بنابراین، واردات ایران از ترکیه ۱۳۵/۴ درصد رشد داشته است.

مبادلات بازرگانی ایران و ترکیه طی سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۵

سال	صادرات	واردات	جمع کل صادرات و واردات
۱۳۷۷	۴۳۹	۲۷۲	۷۱۱
۱۳۷۸	۶۳۰	۲۲۸	۸۵۸
۱۳۷۹	۹۳۹	۲۳۳	۱۱۷۲
۱۳۸۰	۶۹۴	۲۹۱	۹۸۵
۱۳۸۱	۹۶۲	۳۲۴	۱۲۸۶
۱۳۸۲	۱۲۹۳	۵۱۸	۱۸۱۰
۱۳۸۳	۱۵۲۶	۷۲۸	۲۲۵۴
۱۳۸۴	۲۵۹۳	۸۴۲	۳۴۳۵
۱۳۸۵	۴۱۰۷/۶	۸۵۷/۲	۴۹۶۴/۸





نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران و ترکیه به‌منزله دو کشور مهم منطقه خاورمیانه و جهان اسلام و جزء قدرت‌مندترین و تاثیرگذارترین کشورهای این منطقه‌اند. روابط دو کشور به دلایل مختلفی چون اشتراک در منافع ملی در حوزه‌های مختلف و نیز تعارضات ایدئولوژیک نظام حکومت لائیک حاکم بر ترکیه و حکومت دینی جمهوری اسلامی ایران، متشکل از هم‌کاری و منازعه بوده است. اما طی دهه گذشته سیاست‌های داخلی ترکیه دست‌خوش تحولات آرام ولی عمیق و گسترده شده است. مهم‌ترین این تحولات در صحنه داخلی ترکیه، افول ایدئولوژی سکولار کمالیسم است که طی آن اسلام‌گرایان (حزب عدالت و توسعه) توانستند قدرت را در این کشور به‌دست گیرند.

اهمیت این تحول از آن‌جا ناشی می‌شود که این ایدئولوژی تعریف‌کننده بسیاری از اصول سیاست خارجی ترکیه در دهه‌های گذشته بوده، و به نوعی جهت‌گیری‌های کلی نخبگان نظامی و سیاسی را تحت تاثیر قرار داده است. بر اساس همین ایدئولوژی بود که نظامیان لائیک ترکیه عمدتاً در دهه ۱۹۹۰ دو گروه اسلام‌گرایان و کردها را به‌منزله اصلی‌ترین عوامل تهدید امنیت ملی ترکیه در داخل قلم‌داد می‌کردند.

نخبگان کمالیست در دو دهه گذشته، براساس تلقی خود از سندروم یا نشانگان فلج امنیت ملی، کوشیده‌اند ضمن متهم کردن ایران به حمایت از اسلام‌گرایان و ناسیونالیست‌های گُرد، ایران را یکی از تهدیدات اصلی امنیت ملی ترکیه جلوه دهند. همین تلاش‌ها و ذهنیت‌های نخبگان نظامی کمالیست بود که باعث ایجاد بحران‌هایی در روابط دو کشور شد. حادثه آتش‌سوزی در یکی از هتل‌های ترکیه که در آن تعدادی از نویسندگان لائیک کشته شدند، واقعه سینجان و بحران حجاب، از جمله بحران‌هایی بودند که در آن نخبگان کمالیست کوشیدند ایران را منبع اسلام رادیکال معرفی کرده و از گسترش روابط با این کشور جلوگیری کنند.

اما با قدرت‌یابی اسلام‌گرایان (حزب عدالت و توسعه) در سال ۲۰۰۲، شاهد افت نسبی موقعیت نظامیان در عرصه سیاست داخلی و خارجی ترکیه، و در نتیجه بهبود و گسترش روابط دو کشور ایران و ترکیه هستیم. شاخص‌های این روابط را می‌توان در حوزه‌های مختلف سیاسی، امنیتی و اقتصادی نیز مشاهده کرد. در حوزه سیاسی می‌توان به نقش ترکیه به‌منزله تسهیل‌کننده امور در مورد موضوع هسته‌ای ایران، تبادل متعدد هیأت‌های بلندپایه و مقامات سیاسی دو کشور در سطوح مختلف و سفرهای متعدد

وزرای خارجه دو کشور، از جمله سفرهای منوچهر متکی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، به دنبال آن سفر سعید جلیلی دبیر شورای امنیت ملی ایران به ترکیه و دیدارهای این مقامات با عبدالله گل رئیس جمهور، رجب طیب اردوغان نخست وزیر، و علی باباجان وزیر امور خارجه ترکیه، دیدار علی لاریجانی دبیر وقت شورای امنیت ملی ایران با خاویر سولانا در آنکارا و اجلاس سه‌جانبه لاریجانی، سولانا و عبدالله گل وزیر خارجه وقت ترکیه، کاهش روابط ترکیه با اسرائیل از هم‌پیمانی به روابط عادی و در مقابل گسترش روابط با فلسطین، انتقاد از اقدامات خشن اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی، دیدار با رهبران حماس در فلسطین، حمایت ضمنی از حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه علیه اسرائیل، تنش‌زدایی با سوریه، میانجی‌گری در بحران لبنان، وساطت میان حماس و فتح و غیره، همگی در راستای سیاست‌های ایران بوده و در نتیجه به تقویت و گسترش روابط دو کشور منجر شده است.

در حوزه امنیتی می‌توان به افزایش همکاری‌ها و توافقات امنیتی میان دو کشور برای مقابله با قاچاق مواد مخدر و انسان، به ویژه قاچاق قرص‌های روان‌گردان، استرداد مجرمین و مبارزه با گروهک‌های تروریستی، به ویژه گروهک‌های پ.ک.ک. و منافقین، برگزاری نشست‌ها و جلسات منظم بین نیروهای انتظامی دو کشور هر سه ماه یک‌بار و غیره اشاره کرد.

در بُعد اقتصادی نیز می‌توان به برگزاری کمیسیون‌های مشترک همکاری‌های اقتصادی و تجاری و سفرهای متقابل مسئولان بلندپایه اقتصادی دو کشور، از جمله سفر غلامعلی حداد عادل رئیس وقت مجلس شورای اسلامی و سفرهای متعدد وزرای جهاد کشاورزی و بازرگانی و نیز وزیر وقت نفت دولت نهم به ترکیه و سفرهای وزرای انرژی، کشاورزی و ارتباطات ترکیه به ایران و سفرهای متقابل هیأت‌های سیاسی، اقتصادی و فنی در سطوح کارشناسان ارشد، و معاونین و قائم‌مقام‌های وزارت‌خانه‌های دو کشور اشاره کرد.

انعقاد قراردادهای همکاری دوجانبه برای سرمایه‌گذاری در احداث نیروگاه‌های آبی و حرارتی، صدور گاز ایران به اروپا از طریق خاک ترکیه و گاز ترکمنستان به اروپا از طریق خاک ایران و ترکیه به اروپا، و همکاری در توسعه مناطق استخراج گاز عسلویه نیز بخشی از گسترش همکاری‌های اقتصادی دو کشور را نشان می‌دهد. افزایش حجم مبادلات تجاری دو کشور از یک میلیارد و ۱۹۳ میلیون دلار در سال ۲۰۰۰ به بیش از ۸

میلیارد دلار در سال ۲۰۰۷ نیز نشان‌دهنده روند رو به رشد مناسبات و مبادلات اقتصادی دو کشور در سال‌های اخیر است. هم‌اکنون دولت ترکیه با پیروی از سیاست نگاه به شرق و گسترش روابط سیاسی و اقتصادی با کشورهای مسلمان همسایه و منطقه، توجه ویژه‌ای به منطقه خاورمیانه معطوف نموده است. این روی‌کرد جدید ترکیه می‌تواند با سیاست اصولی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر گسترش روابط با کشورهای اسلامی و آسیایی که آن هم بر سیاست نگاه به شرق استوار است سازگار باشد؛ به طوری که روابط دو کشور در سال‌های اخیر به قدری گسترش یافته که بسیاری از کارشناسان سال ۲۰۰۷ را «دوران طلایی دو کشور» نامیده‌اند.



منابع

۱. بابی سعید (۱۳۷۹)، *هراس بنیادین: اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی*، ترجمه دکتر غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۲۰.
۲. نظری منفرد، جواد (۱۳۷۷)، *بنیادگرایی اسلامی و غرب*، پایان‌نامه کارشناسی، تهران، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، ص ۳۷.
۳. شارنه، ژان پل (۱۳۷۷)، «اسلام‌گرایی، بخشی از پویایی دنیای اسلام»، *روزنامه سلام*، ۷۷/۴/۱۳، ص ۸.
۴. جانسیز، احمد (۱۳۸۵)، *دگرش اصلاح‌طلبانه اسلام‌گرایی در ترکیه*، رساله دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ص ۹۶.
۵. همان، ص ۹۷-۹۵.
۶. «میزگرد پیروزی مجدد اسلام‌گرایان در ترکیه و آینده سیاست خارجی این کشور»، ۱۳۸۶/۷/۱۵ در سایت: <http://www.Gsr.ir>.
۷. کوزه‌گرکالجی، ولی (۱۳۸۶)، «جمهوری سرگردان»، *همشهری دیپلماتیک*، سال دوم، شماره ۱۵، ص ۳۶.
۸. قاسمی، صفت‌الله، «پویش اسلام‌گرایی در ترکیه و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه آفاق امنیت*، پیش شماره یک، ص ۲۵-۲۶.
۹. واعظی، محمود، «میان‌روهای کارآمد»، *ماهنامه همشهری دیپلماتیک*، سال دوم، ۱۳۸۶، شماره ۱۷، ص ۵.
۱۰. محمدی، علی اصغری، «گذار از اسلام‌ستیزی»، *همشهری دیپلماتیک*، سال دوم، ۱۳۸۶، شماره ۱۶، ص ۵۵.
۱۱. واعظی، پیشین، ص ۵.
۱۲. «میزگرد پیروزی مجدد اسلام‌گرایان و آینده سیاست خارجی این کشور»، پیشین.
۱۳. محمدیان، سهیلا، «ترکیه در عصر جهانی‌شدن»، *فصلنامه پل فیروزه*، سال پنجم، ۱۳۸۶، شماره ۱۷، ص ۲۰.
۱۴. واعظی، پیشین، ص ۵-۶.

۱۵. «میزگرد پیروزی مجدد اسلام‌گرایان و آینده سیاست خارجی این کشور»، پیشین.
۱۶. همان.
۱۷. قاسمی، پیشین، ص ۲۸.
۱۸. «میزگرد پیروزی مجدد اسلام‌گرایان»، پیشین.
۱۹. واعظی، محمود (۱۳۸۷)، «تجربه جدید در ترکیه: تقابل گفتمان‌ها»، راهبرد، شماره ۴۷، ص ۵۵.
۲۰. یزدی، ابراهیم، «اسلام و دموکراسی؛ تجربه ترکیه»، روزنامه اعتماد ملی، ۱۰ آبان ۱۳۸۶.
۲۱. قهرمانپور، رحمان (۱۳۸۰)، جهانی‌شدن و مسأله هویت در خاورمیانه: مطالعه موردی ایران و ترکیه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، ص ۱۵۳-۱۵۰.
۲۲. کرمی فرد، رضا (۱۳۸۱)، تحلیل ژئوپلیتیک روابط ایران و ترکیه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، ص ۱۳۰.
۲۳. همان، ص ۱۳۴.
۲۴. همان، ص ۱۳۵.
۲۵. آراس، بولنت، رابیا کارا کایا پولات، «از مناقشه تا هم‌کاری: غیرامنیتی کردن روابط ترکیه با ایران و سوریه»، ترجمه معصومه ظفرمند، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ۱۶، ۱۳۸۶، دوره ۱۴، شماره ۵۹، ص ۶۸-۶۷.
۲۶. «روابط ایران و ترکیه در دولت نهم (به بهانه سفر دکتر احمدی‌نژاد به ترکیه)، مجله ایراس، ۸۷/۵/۲۳ در سایت <http://www.iras.ir>
۲۷. لارابی، استفان، «نگاه دوباره ترکیه به خاورمیانه»، مترجم محمد سلطانی‌نژاد، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای؛ جهان اسلام، سال هشتم، شماره ۲۹، ۱۳۸۶، صفحه ۷۶.
۲۸. واعظی، پیشین، ص ۶۷.
۲۹. کریمی، مهدی (۱۳۸۲)، مسأله گرد و روابط سیاسی ایران و ترکیه (۲۰۰۰-۲۰۰۰)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران، ص ۱۳۹.
۳۰. قهرمانپور، رحمان (۱۳۸۴)، «تعاملات ایران و ترکیه در آغاز قرن ۲۱»، نامه

- دفاع، شماره ۴، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، ص ۱۱۰.
۳۱. قهرمانپور، رحمان (۱۳۸۳)، «تحولات ترکیه و چالش‌های آن برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، در *امنیت بین‌الملل (۱)؛ فرصت‌ها، تهدیدات و چالش‌های فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، علی عبدالله خانی و دیگران، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ص ۲۷.
۳۲. واعظی، پیشین، ص ۶۸.
۳۳. «امضای ۸ توافق‌نامه مهم امنیتی بین ایران و ترکیه»، *روزنامه اقتصاد*، ۱۲/۴/۱۳۸۴، شماره ۳۳۵۲ برگرفته از سایت: <http://www.iranpress.ir>.
۳۴. خبرگزاری ایرنا، ۱۳۸۴/۱۲/۳.
۳۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۸۷/۵/۲۲ برگرفته از سایت: <http://www.Irna.ir>
۳۶. آمار مربوط به مبادلات بازرگانی دو کشور ایران و ترکیه در سال ۱۳۸۷، به نقل از گمرک جمهوری اسلامی ایران.
۳۷. همان.
۳۸. آمار مربوط به حجم تجارت دو کشور ایران و ترکیه در سال ۱۳۸۷، به نقل از سازمان توسعه و تجارت ایران، معاونت بازاریابی و تنظیم، اداره کل آسیا و اقیانوسیه.